

یک ائتلاف جنگی گسترش یافته

نویسنده: کنت هالده بو

مترجم: پیام پرتوی

<http://proletaren.se/utrikes-ovrigt/en-expanderande-krigsallians>

در حال حاضر ۲۸ کشور جهان عضو ناتو هستند. پس از تلاشی پیمان ورشو برای ۲۵ سال پیش، ناتو بر خلاف وعده های داده شده در مورد انحلال سازمانش، کلیه شعارهای خود را در مورد ائتلافی دفاعی فراموش نموده، گسترش و به ائتلافی جنگی مبدل گشته است.

تا فروپاشی دیوار برلن، ۱۹۸۹، چهار عضو جدید به ناتو پیوست. پس از آن در مورد انحلال این ائتلاف نظامی، که در مورد پیمان ورشو رخ داد، امیدهایی وجود داشت. همزمان ناتو توسعه ای وحشیانه را آغاز و شمار آن در حال حاضر از ۱۶ تا ۲۸ عضو گسترش یافته است.

ناتو در ضمن ۲۲ کشور را در «مشارکت برای صلح» (Pff) و با «یک اقدام امنیتی عملی» ۱۳ کشور را در آفریقا و خاورمیانه به یکدیگر پیوند داده است.

در آنزمان هنگامیکه آمریکا ۱۹۹۱، با حمایت کشورهای اروپایی عضو ناتو، به نیروهای نظامی عراق در کویت یورش برد (عملیات طوفان صحرا) وقایع در انتظار روشن بودند.

رئیس جمهور آمریکا جرج بوش پدر اعلام نمود: «امروز مشاهده میکنیم که جهان چگونه بنظر خواهد رسید. این نظم نوین جهانی است»

با این دکترین هیچ امیدی نه برای صلح و نه برای خلع سلاح وجود داشت و دارد. از ۱۹۹۰ ناتو از یک سازمان رسمی دفاعی به ائتلافی جنگی با جنگهای تهاجمی بعنوان ابزار برای کسب مقاصدش در سطح جهان دوباره خود را سازماندهی نمود.

جنگ ناتو در یوگسلاوی، لیبی و افغانستان نتیجه ایست از این نظم نوین جهانی. بمنظور تقویت توان ضربه، یک نیروی ضربتی سریع ایجاد شده است: **Nato Response Force** «نیروی واکنش ناتو» با ۱۳۰۰۰ سرباز. ه آماده جنگ و یک نیروی تقویتی **Response Forces Pool** «نیروهای واکنش مشترک» با ۱۶۰۰۰ سرباز، که در صورت نیاز مکمل تلاشها باشند.

نیروی واکنش ناتو از جمله به هواپیما و کشتیهای جنگی دسترسی داشته و باید با دریافت هشدار فوری قادر به انجام ماموریت، در سراسر جهان بر علیه کشورهای باشد که در

مقابل فرامین امپریالیسم شهادت ایستادگی از خود نشان میدهند. اتحادیه اروپا نیز با هدفی مشابه از چنین نیرویی جنگی برخوردار است. سوئد در هر دو نیرو مشارکت دارد.

در صورت عدم وجود جنگی در دستور کار، قابلیت‌های جنگی نیروهای سریع اتحادیه اروپا و نیروی واکنش ناتو با تمرینات جنگی منظم در سراسر اتحادیه اروپا و بقیه جهان، از جمله سوئد، تقویت میشوند.

پس از ۱۹۹۴ سوئد با عضویت در «مشارکت برای صلح» همکاری نزدیکی را با ناتو داشته است. بر اساس توضیحات رسمی، این سازمان بمنظور «امکانپذیر نمودن ترویج یک همکاری میان ناتو و کشورهای غیر عضو» ایجاد شده است.

در سازمان «مشارکت برای صلح» روسیه و روسیه سفید نیز، بعنوان تلاشی باقیمانده از گذشته بمنظور ادغام کامل این کشورها در ائتلاف غرب، عضو هستند.

علاوه بر حمایت از ناتو در جنگ، ۱۲ کشور در اروپای شرقی، از جمله جمهوری چک، مجارستان و لهستان، از طریق عضویت در سازمان «مشارکت برای صلح» با ناتو همراه شده‌اند. کشورهایی که بمنظور عضویت در ناتو در نوبت ایستاده‌اند عبارتند از گرجستان، آذربایجان، ارمنستان و مولداوی.

برنامه ریزی شده است که در آینده سوئد، فنلاند و اتریش و هشت کشور دیگر به عضویت ناتو درآیند. ناتو بدین طریق امکانات خود را بتدریج برای سرکوب کلیه شورشها بر علیه نظم نوین جهانی که برای بیش از ۲۰ سال پیش تنظیم نموده بود، افزایش میدهد.

در حال حاضر کلیه کشورهای اروپایی بطریقی به ناتو ملحق و تابع آن گشته‌اند. این یک ائتلاف جنگی گسترش یافته و تهدیدست بر علیه کلیه مردم عاشق صلح در جهان.

ناتو در جنگ: بالکان/یوگسلاوی ۱۹۹۴

۱۹۹۴ نیروهای نظامی ناتو هواپیماهای صرب بوسنی را در مرکز بوسنی و هرزگوین سرنگون نمودند. ماموریت ایجاد فضای پرواز ممنوع بود. یک قطعنامه سازمان ملل متحد با ماموریت «حافظ صلح» یکسال پیش از آن آغاز شده بود. اما نقش ناتو در بالکان در انجام آن تعهد متوقف نشد.

۱۹۹۹ پس از امتناع رهبران یوگسلاوی از امضای قرارداد موسوم به رامبوییه ناتو یک حمله هوایی ۱۱ هفته‌ای را بر علیه یوگسلاوی سابق آغاز نمود.

حمله بدون یک اعلام جنگ رسمی آغاز و هرگز مورد تایید سازمان ملل متحد قرار نگرفته بود. جنگ پس از امضای قراردادی در شباهت بسیار با قرارداد رامبوییه توسط رهبر یوگسلاوی اسلوبودان میلوشویچ، اما بدون مطالبه اشغال کامل یوگسلاوی، پایان رسید.

پس از آن «نیروهای بین المللی حافظ صلح» تحت رهبری ناتو KFOR «نیروی کوزوو»، رهبری را بمنظور «ایجاد صلح و امنیت عمومی در کوزوو» بدست گرفتند.

ناتو بدون گذاردن وقعی به سازمان ملل متحد نیروهای غیرنظامی را بمباران و یک میلیون نفر را آواره نمود. و همه اینها برای متوقف نمودن یک نسل کشی اعدایی و بدلیل قرارگرفتن تصادفی کشور میان منطقه ای که آمریکا و اروپا به آن علاقه بسیاری داشتند.

ناتو در جنگ: افغانستان ۲۰۰۱

رئیس وقت ناتو جرج روبرتسون در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱، پس از حمله تروریستی به آمریکا مدعی شد که حملات شامل ماده پنج ناتو میشد، به عبارت دیگر حمله ای بر علیه یکی از کشورهای عضو ناتو حمله ایست به همه.

آمریکا به تنهایی به هدایت جنگی بر علیه رژیم طالبان در افغانستان تصمیم گرفت. پس از شکست رژیم طالبان ناتو از «سازمان ملل متحد اجازه ای مبنی بر ارسال نیروهای ثبات به افغانستان» دریافت نمود، که به بزرگترین جنگی که تا کنون در آن شرکت نموده است تکامل یافت.

۲۰۰۳ ناتو به گسترش منطقه فعال برای Isaf «نیروهای بین المللی کمک به امنیت» از کابل تا تمام افغانستان، و اغلب ۱۳۰۰۰۰ سرباز از ۵۰ کشور مختلف جهان در آن وجود داشتند، تصمیم گرفت.

نیروهای بین المللی کمک به امنیت یک نیروی حافظ صلح وابسته به سازمان ملل نیست. این نیرو با اینحال از شورای سازمان ملل متحد ضمانت اجرایی دریافت و در عمل توسط آمریکا رهبری میشود. سوئد نیز با حداکثر ۹۰۰ سرباز در جنگ شرکت نموده است.

ناتو در جنگ: لیبی ۲۰۱۱

بمبارانهای لیبی توسط ناتو در مارس ۲۰۱۱ بلافاصله پس از تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ توسط شورای امنیت، هدایت شده توسط آمریکا، فرانسه و انگلیس، آغاز شد.

شرایط در کشور تهدیدی بر علیه صلح جهانی محسوب نمیشد و بهمین دلیل شورای امنیت برای گرفتن تصمیم در مورد دخالت مسلحانه در آن قدرتی نداشت. شورای امنیت قادر به تغییر ضوابط سازمان ملل نیست. بهمین دلیل حمله به لیبی نقض قوانین بین المللی بود.

هدف واقعی حمله ایجاد یک رهبری وفادارتر به غرب و تقویت کنترل بر روی برخی از بزرگترین منابع نفتی آفریقا بود.

بمبارانهای ناتو توسط «شورشیان» لیبیایی با مقر خود در بنغازی در شرق هماهنگ شده بود. اما آنهایی که کشورهای عضو ناتو و سوئد با بمبارانها هوایی، ارانه تسلیحات و دیگر کمکهای خود از آن حمایت نمودند قهرمانان دمکراسی و حقوق بشر نبودند.

پس از بمبارانهای ناتو لیبی به کشوری در هرج و مرج، که جنگ سالاران محلی با یکدیگر و دولت رقابت مینمایند، مبدل گشته است.